
دولت و سیاست اجتماعی در ایران

معصومه قاراخانی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۵	۱. رویکردهای نظری سیاست اجتماعی
۴۳	۲. روش‌شناسی تحلیل سیاست اجتماعی
۷۷	۳. رویکرد دولت، ظرفیت نهادی و توسعه‌ی سیاست اجتماعی
۱۰۵	۴. سیاست آموزش؛ عدالت توزیعی و آموزش همگانی
۱۱۹	۵. سیاست سلامت؛ پیش‌گیری یا درمان
۱۳۹	۶. سیاست مسکن؛ فراگیر و ارزان
۱۵۹	پی‌گفتار
۱۸۳	پی‌نوشت‌ها
۱۹۵	فهرست منابع

پیش‌گفتار

سیاست اجتماعی موضوعی است که هم‌همی مردم در زندگی روزمره‌ی خود با جنبه‌های مختلف آن سروکار دارند. طیف گسترده‌ی مباحثی که در سیاست اجتماعی بدان‌ها پرداخته می‌شود نشان‌دهنده‌ی میزان تأثیرگذاری سیاست اجتماعی بر زندگی، رفاه و امنیت جامعه است. سیاست اجتماعی، که مرتبط با زندگی روزمره‌ی مردم است، یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاری در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است و هم‌زمان با مطالعه‌ی تغییرات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، تفاوت بین کشورها نه از بابت حضور یا غیاب سیاست اجتماعی بلکه از بابت ماهیت، کیفیت و چگونگی اجرای آن است و همین سبب تفاوت سطح توسعه‌ی سیاست اجتماعی و مدل‌های مختلف دولت رفاه از کشوری به کشور دیگر شده است.

در حال حاضر، مطالعات در حوزه‌ی سیاست اجتماعی صرفاً به مسائل اساسی سد راه توسعه‌ی انسانی معطوف نیست. هم‌گام با تغییرات وسیعی که در زندگی اجتماعی رخ داده، مطالعات سیاست اجتماعی نیز وسعت زیادی یافته‌اند. البته شواهد نشان می‌دهد که مطالعه‌ی سیاست اجتماعی در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران به گستردگی مطالعات این حوزه در کشورهای سرمایه‌داری غرب و کشورهای آسیای جنوب‌شرقی نیست، با این حال این موضوع وسعت زیادی یافته و توجه اندیش‌مندان اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. البته باید در نظر داشت که سیاست اجتماعی موضوعی است زمینه‌مند و وابسته به مسائل و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. از این‌رو، به دلیل تفاوت شرایط نهادی و سیاسی در کشورهای مختلف، مدل‌های دولت رفاه و دیدگاه‌های نظری — که مبتنی‌اند بر تجربه‌ی کشورهای سرمایه‌داری پس از جنگ جهانی دوم — برای مطالعه و تحلیل سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران نیازمند بازنگری هستند. این بازنگری خود مستلزم انجام پژوهش‌های زمینه‌مند در این حوزه است.

هم‌چنین توجه داریم که تحقق سیاست اجتماعی، بازشناسی مسائل اجتماعی و پی‌آمدهای آن‌ها، و نیز فهم و بیان نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی، همگی در پرتو مطالعه و پژوهش در حوزه‌ی سیاست اجتماعی و نیز پی‌گیری و توجه به نتایج این مطالعات در سیاست‌گذاری‌ها ممکن می‌شود. تأثیرات انباشتی و بازاندیشانه‌ی حاصل از این فرآیند به شکل‌گیری دانش نظری و کاربردی زمینه‌مند در حوزه‌ی علوم اجتماعی منجر می‌شود. این ضرورت وقتی بیش‌تر نمایان است که در نظر داشته باشیم